

درباره انتشارات پروگرس

پس از پایان جنگ جهانی دوم که به پیروزی متفقین منجر شد و نیز وقوع مسایل سیاسی در آذربایجان که به شکست طرح استالینی ارتش سرخ و ختم غایله پیشه‌وری و غلام یحیی دانشیان انجامید، اداره نشریات خارجی اتحاد شوروی که دفتر مرکزی آن در مسکو قرار داشت فعال شد و برای نفوذ دادن آرمان‌های مورد نظر شوروی، انتشار بعضی آثار ادبی با گرایش‌های حزبی و تبلیغات مرامی را در میان دیگر ملل و به زبان‌های مختلف در دستور کار قرار داد. بخش فارسی این تشکیلات را می‌توان یکی از بخش‌های فعال آن دانست چراکه ایران و موقعیت اجتماعی و سیاسی‌اش برای همسایه شمالی اهمیت فراوانی داشت. بر این اساس چاپ و انتشار آثار ابوالقاسم لاهوتی که از ایران گریخته بود و به دوستی با استالین افتخار می‌کرد در شمار اولین کتاب‌های چاپ شده این مرکز قرار گرفت و در سال 1946 میلادی منتخبی از اشعار لاهوتی چاپ شد که شعرهایی با گرایش آشکار به تکریم و تبلیغ استالین و سوسیالیسم در آن فراوان بود. شعرهایی همانند «ما ظفر خواهیم کرد» با مطلع: «ما مگر قبر لنین را دست دشمن می‌دهیم؟» یا شعر «زنده است لنین» که ستایش نامه‌ای است از زبان کارگری پیر که خبر مرگ لنین را شنیده و در پایان می‌گوید: «نه، زنده است لنین» و همچنین شعری تحت عنوان «باغبان» که به رهبر و رفیق استالین تقدیم شده بود.

یک سال پس از انتشار این کتاب، چند اثر از پوشکین این بار به ترجمه لاهوتی از سوی این مرکز منتشر می‌شود که ترجمه‌ای ناهموار و دشوارخوان است و همین اثر سالیان سال بعد و پس از تاسیس بنگاه نشریات پروگرس مسکو، تحت عنوان چند چامه و درام با افزوده‌هایی تجدید چاپ می‌شود که باز هم زبان ترجمه به مذاق خواننده ایرانی خوش نمی‌آید. نمونه‌ای از کج‌سلیقگی لاهوتی را در ترجمه عنوان افسانه معروف «زیبای

خفته» بیابید که لاهوتی آن را به «شاه‌دختر بی‌هوش» برگردانده است و نکته اینکه در چاپ دوم، نام لاهوتی از کتاب حذف شده است.

در دهه 60 و 70 میلادی، اداره نشریات خارجی از فعالیت خود می‌کاهد و با تاسیس انتشارات پروگرس، جمعی از روشنفکران ایرانی که پس از شکست نهضت ملی در کودتای 28 مرداد و نیز وقایع بعد از سال 1332 شمسی و دستگیری و اعدام سازمان افسران حزب توده به شوروی گریخته و در ایام اقامت در مسکو زبان روسی آموخته بودند، مبادرت به ترجمه آثاری از ادبیات شوروی به زبان فارسی می‌کنند و عجا که دولت شاهنشاهی و دستگاه جهانی ساواک با ورود این قبیل آثار به ایران مخالفتی نمی‌کنند و به این ترتیب ادبیات وارداتی پروگرسی در یک دوره تاریک سیاسی ایران، اثرگذار می‌شود و جمعی از اهل کتاب و روشنفکران از طریق این ترجمه‌های وارداتی با ادبیات روسی و دیگر جمهوری‌های شوروی آشنا می‌شوند.

بنگاه پروگرس حیطه کار خود را منحصر به ادبیات بزرگسالان نکرده و آثاری هم در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان منتشر می‌کند که در مقام مقایسه، سالم‌تر از ادبیات بزرگسالان می‌نماید. آثاری چون داستان‌های تولستوی برای کودکان و نیز کتاب‌هایی همچون «قصه‌ها و تصویرها»، «کودکان و جانوران»، «داستانی بسیار هولناک»، «در دبستان و خانه»، «سریوژا»، «خوان چهارم» و آثار دیگر که چون نام کتاب‌ها را از حافظه می‌نویسم از آوردن نام نویسندگان آنها اجتناب می‌کنم تا بر خطا نرفته باشم. در میان آثار منتشر شده برای بزرگسالان آثاری هم برای نسلی از خوانندگان این قبیل کتاب‌ها به خاطراتی فراموش‌ناشدنی بدل شده‌اند.

اثری همچون «یادداشت‌های بازپرس»، از لوشینین که یک کتاب پلیسی ناب و خواندنی است، همچنین «پس از مجلس رقص»، از تولستوی، «بانو با سگ ملوس» از چخوف، «رز طلایی» از کنستانتین پاستووفسکی، «آذرستان»، مجموعه‌ای از داستان‌های

نویسندگان آذربایجان که دو داستان آمده در این کتاب با عناوین «من، تو، او و تلفن» از انار و «هشتمین پسر» از آلتای محمداوف، خواندنی هستند. همچنین آثار منتشر شده در سلسله کتاب‌های (کلاسیک‌های ادبیات روسی) با آثاری از تورگینف همچون «رودین» یا «النگوی یاقوت سرخ» از الکساندر کوپرین.

در این میان بعضی آثار ترجمه شده به نوعی ادبیات حزبی «رنالیسم سوسیالیستی» و تبلیغاتی تعلق دارند و در مواردی با جمیع این اوصاف خواندنی و اثرگذار هم بوده‌اند. آثاری همچون «داستان پداگوژیکی» از ماکارنکو، «مادر»، «جمیله» و «الوداع گل‌ساری» هر سه از چنگیز آیت‌ماتف. «من خورشید را می‌بینم» از نوداردومبادزه، نویسنده گرجی و اثری بی‌بدیل که بسیار دوست می‌دارمش «صد و پنجاه و هفت گیس عروس» از فزو علی‌یوا و نیز آثاری دیگر همچون «چپق» و «استخرهای پاکیزه» از یوری ناگی بین، «وقتی که یابنده‌ای خوش‌شانس بودم» از فاضل اسکندر، «مردم سرباز به دنیا نمی‌آیند» از کنستانتین سیمونف و «پرتو اختر دوردست» از الکساندر چاکوفسکی و بسیاری آثار دیگر که ذکر اسامی آنان سبب اطناب کلام می‌شود. در میان آثار منتشر شده از سوی پروگرس، دو کتاب «چنگیزخان» اثر واسیلی یان و «خدیزاده جادوشده» با عنوان دوم «شاهزاده‌ای که خر شد» در ذهن و خاطره من جایگاه ویژه‌ای دارند. «چنگیزخان»، نخستین جلد از یک تریلوژی، (سه‌گانه) رمانی تاریخی درباره حمله مغولان بود که با ترجمه دقیق، روان و یکدست محمد پورهرمزان خوانندگان بسیاری را شیفته کرد. همچنین است «خدیزاده جادوشده» اثر لئونید سالوویف (1962 - 1907) که با ترجمه خوب حبیب فروغیان ارمغان اهل ادب ایران شده است. سالوویف دوران کودکی و نوجوانی‌اش را در «فرغانه» گذرانده و با انبانی از تجربه و خاطرات شگرف در سال 1930 میلادی به مسکو کوچیده و نوشتن آغاز می‌کند. وی با مطالعه اثری از «کریمسکی» درباره زندگی «ملانصرالدین» قصد می‌کند با آوردن ملانصرالدین به ازبکستان و شهر خجند، روایتی تازه از دنیای خوب ملانصرالدین و آدم‌های خوب‌تر پیرامون او ساز کند و حاصل این تلاش دو اثر است که نخستین آن با

عنوان «برهم زننده آرامش» در سال 1940 میلادی منتشر می‌شود و دومین اثر کتاب ارجمند «شاهزاده جادو شده» است که در سال 1954 به پایان می‌رسد و اثری است بس شگرف و خواندنی که پس از سال‌ها هم اینک چاپ جدید و پاکیزه و قابل‌قبولی از آن به اهتمام «نشر آفرینگان» در تهران منتشر شده است. کتابی که سالیان سال قبل، بنگاه انتشارات پروگروس، مبادرت به چاپ و صدور آن به ایران کرده بود و تجدید طبع این کتاب بهانه‌ای شد تا در این نوشته به گوشه‌ای از فعالیت‌های آن پرداخته شود.

البته به موازات توسعه فعالیت پروگروس، انتشارات فارسی دیگری در شوروی آن زمان صورت انجام می‌یافت که آثار انستیتوی خاورشناسی، شعبه ادبیات خاور، انتشارات دانش و نیز نشریات فارسی منتشر شده در آذربایجان از این زمره هستند و بررسی و بحث و فحص پیرامون آن مجال دیگری می‌طلبد و نیز می‌ماند گفتاری مستقل پیرامون ایرانیانی که در حوزه ترجمه این کتاب‌ها کوشیده‌اند. کسانی همچون عبدالحسین نوشین که بعضی آثارش با نام مستعار «فردوس» در سلسله آثار منتشره پروگروس نشر یافته یا احسان طبری که با نام‌های پرویز، ا.ط، پرویز پورتنج ترجمه می‌کرده و دیگری مثل آلک قازاریان، حبیب فروغیان، پورهرمان، همایون یا گامایون، غلامحسین بیگدلی، احمد شفایی و بسیاری نام‌ها که بررسی آثارشان می‌تواند موضوع یک بررسی و تحقیق مستقل باشد. نکته پایانی اینکه لئونیدسالاویف خالق «شاهزاده جادوشده» اثر خواندنی دیگری دارد که با عنوان «شهرزاد» و در سال‌های دور چاپ شده است. کاش ناشر صاحب همتی یافت شود و چاپ پیراسته‌ای از آن به دست دهد زیرا خدمتی خواهد بود درخور به شیفتگان ادبیات داستانی ایران.

کاوه گوهرین

<http://old.sharghdaily.ir/news/90/09/22/19240.html>

مجله هنرمند:

... پس از پایان جنگ جهانی دوم که به پیروزی متفقین منجر شد و نیز وقوع مسائل سیاسی در آذربایجان که به شکست طرح استالینی ارتش سرخ و ختم غائله پیشه‌وری و غلام یحیی دانشیان انجامید، اداره نشریات خارجی اتحاد شوروی که دفتر مرکزی آن در مسکو قرار داشت فعال شد و برای نفوذ دادن آرمان‌های مورد نظر شوروی، انتشار بعضی آثار ادبی با گرایش‌های حزبی و تبلیغات مرامی را در میان دیگر ملل و به زبان‌های مختلف در دستور کار قرار داد. بخش فارسی این تشکیلات را می‌توان یکی از بخش‌های فعال آن دانست چرا که ایران و موقعیت اجتماعی و سیاسی‌اش برای همسایه شمالی اهمیت فراوانی داشت. بر این اساس چاپ و انتشار آثار ابوالقاسم لاهوتی، که از ایران گریخته بود و به دوستی با استالین افتخار می‌کرد در شمار اولین کتاب‌های چاپ شده این مرکز قرار گرفت و به سال 1946 میلادی منتخبی از اشعار لاهوتی چاپ شد که شعرهایی با گرایش آشکار به تکریم و تبلیغ استالین و سوسیالیسم در آن فراوان بود. شعرهایی همانند «ما ظفر خواهیم کرد» با مطلع: «ما مگر قبر لنین را دست دشمن می‌دهیم؟» و یا شعر «زنده است لنین» که ستایش نامه‌ای است از زبان کارگری پیر که خبر مرگ لنین را شنیده و در پایان می‌گوید: «نه، زنده است لنین» و همچنین شعری تحت عنوان «باغبان» که به رهبر و رفیق استالین تقدیم شده بود. یک سال پس از انتشار این کتاب، چند اثر از پوشکین این بار به ترجمه لاهوتی از سوی این مرکز منتشر می‌شود که ترجمه‌های ناهموار و دشوارخوان است. و همین اثر سالیان سال بعد و پس از تأسیس بنگاه نشریات پروگرس مسکو، تحت عنوان چند چامه و درام با افزوده‌هایی تجدید چاپ می‌شود که باز هم زبان ترجمه به مذاق خواننده ایرانی خوش نمی‌آید. نمونه‌ای از کج سلیقگی لاهوتی را در ترجمه عنوان افسانه معروف «زیبای خفته» بیابید که لاهوتی آن را به «شاهدختر بی‌هوش» برگردانده است. و نکته این که در چاپ دوم، نام لاهوتی از کتاب حذف شده است. در دهه شصت و هفتاد میلادی، اداره نشریات خارجی از فعالیت خود می‌کاهد و با تأسیس انتشارات پروگرس، جمعی از روشنفکران ایرانی که پس از شکست نهضت ملی در کودتای 28 مرداد و نیز وقایع بعد از سال 1332 شمسی و دستگیری و اعدام سازمان افسران حزب توده به شوروی گریخته و در ایام اقامت در مسکو زبان روسی آموخته بودند، مبادرت به ترجمه آثاری از ادبیات شوروی به زبان فارسی می‌کنند و عجا که دولت شاهنشاهی و دستگاه جهانی ساواک با ورود این قبیل آثار به ایران مخالفتی نمی‌کنند و بدین ترتیب ادبیات وارداتی پروگرسی در یک دوره تاریک سیاسی ایران، اثرگذار می‌شود و جمعی از اهل کتاب و روشنفکران از طریق این ترجمه‌های وارداتی با ادبیات روسی و دیگر جمهوری‌های شوروی آشنا می‌شوند. بنگاه پروگرس حیطه کار خود را منحصر به ادبیات بزرگسالان نکرده و آثاری هم در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان منتشر می‌کند که در مقام مقایسه، سالم‌تر از ادبیات بزرگسالان می‌نماید. آثاری چون داستان‌های تولستوی برای کودکان، و نیز کتاب‌هایی همچون «قصه‌ها و تصویرها»، «کودکان و

جانوران»، «داستانی بسیار هولناک»، «در دبستان و خانه»، «سریوژا»، «خوان چهارم» و آثار دیگر که چون نام کتاب‌ها را از حافظه می‌نویسم از آوردن نام نویسندگان آن‌ها اجتناب می‌کنم تا بر خطا نرفته باشم. در میان آثار منتشره برای بزرگسالان آثاری هم برای نسلی از خوانندگان این قبیل کتاب‌ها به خطراتی فراموش‌ناشدنی بدل گشته‌اند. اثری همچون «یادداشت‌های بازپرس»، از لوشینین که یک کتاب پلیسی ناب و خواندنی است، همچنین «پس از مجلس رقص»، از تولستوی، «بانو با سگ ملوس» از چخوف، «رز طلایی» از کنستانتین پاستوفسکی، «آذرستان»، مجموعه‌ای از داستان‌های نویسندگان آذربایجان که دو داستان آمده در این کتاب با عناوین «من، تو، او و تلفن» از انار و «هشتمین پسر» از آلتای محمداوف، خواندنی‌اند. همچنین آثار منتشر شده در سلسله کتاب‌های (کلاسیک‌های ادبیات روسی) با آثاری از تورگینف همچون «رودین» و یا «النگوی یاقوت سرخ» از الکساندر کوپرین.

در این میان بعضی آثار ترجمه شده به نوعی ادبیات حزبی «رنالیسم سوسیالیستی» و تبلیغاتی تعلق دارند و در مواردی با جمیع این اوصاف خواندنی و اثرگذار هم بوده‌اند. آثاری همچون «داستان پداگوژیکی» از ماکارنکو، «مادر»، «جمیله» و «الوداع گل‌ساری» هر سه از چنگیز آیت‌ماتف. «من خورشید را می‌بینم» از نودار دومبازده، نویسنده گرجی و اثری بی‌بدیل که بسیار دوست می‌دارم «صد و پنجاه و هفت گیس عروس» از فازو علی‌یوا و نیز آثاری دیگر همچون «چپق» و «استخرهای پاکیزه» از یوری ناگی بین، «وقتی که یابنده‌ای خوش شانس بودم» از فاضل اسکندر، «مردم سرباز به دنیا نمی‌آیند» از کنستانتین سیمونف و «پرتو اختر دوردست» از الکساندر چاکوفسکی و بسیاری آثار دیگر که ذکر اسامی آنان سبب اطناب کلام می‌گردد.



در میان آثار منتشر شده از سوی پروگرس، دو کتاب «چنگیزخان» اثر واسیلی یان و «خدیزاده جادوشده» با عنوان دوم «شاهزاده‌ای که خر شد» در ذهن و خاطره من جایگاه ویژه‌ای دارند. «چنگیزخان»، نخستین جلد از یک تریلوژی، (سه گانه) رمانی تاریخی در باره حمله مغولان بود که

با ترجمه دقیق، روان و یکدست محمد پورهرمان خوانندگان بسیاری را شیفته کرد. همچنین است «خدیزاده جادو شده» اثر لئونید سالوویف (1962 - 1907) که با ترجمه خوب حبیب فروغیان ارمغان اهل ادب ایران شده است. سالوویف دوران کودکی و نوجوانی‌اش را در «فرغانه» گذرانده و با انبانی از تجربه و خاطرات شگرف در سال 1930 میلادی به مسکو کوچیده و نوشتن آغاز می‌کند. وی با مطالعه اثری از «کریسکی» در باره زندگی «ملانصرالدین» قصد می‌کند با آوردن ملانصرالدین به ازبکستان و شهر خجند، روایتی تازه از دنیای خوب ملانصرالدین و آدم‌های خوب‌تر پیرامون او ساز کند و حاصل این تلاش دو اثر است که نخستین آن با عنوان «برهم زننده آرامش» به سال 1940 میلادی منتشر می‌شود و دومین اثر کتاب ارجمند «شاهزاده جادو شده» است که در سال 1954 به پایان می‌رسد و اثری است بس شگرف و خواندنی که پس از سال‌ها هم اینک چاپ جدید و پاکیزه و قابل قبولی از آن به اهتمام «نشر آفرینگان» در تهران منتشر شده است. کتابی که سالیان سال قبل، بنگاه انتشارات پروگروس، مبادرت به چاپ و صدور آن به ایران کرده بود و تجدید طبع این کتاب بهانه‌ای شد تا در این نوشته به گوشه‌ای از فعالیت‌های آن پرداخته شود. البته به موازات توسعه فعالیت پروگروس، انتشارات فارسی دیگری در شوروی آن زمان صورت انجام می‌یافت که آثار انستیتوی خاورشناسی، شعبه ادبیات خاور، انتشارات دانش و نیز نشریات فارسی منتشره در آذربایجان از این زمره‌اند و بررسی و بحث و فحص پیرامون آن مجال دیگری می‌طلبد و نیز می‌ماند گفتاری مستقل پیرامون ایرانیانی که در حوزه ترجمه این کتاب‌ها کوشیده‌اند. کسانی همچون عبدالحسین نوشین که بعضی آثارش با نام مستعار «فردوس» در سلسله آثار منتشره پروگروس نشر یافته و یا احسان طبری که با نام‌های پرویز، ابط، پرویز پورتجن ترجمه می‌کرده و دیگری مثل آک قازاریان، حبیب فروغیان، پورهرمان، همایون یا گامایون، غلامحسین بیگدلی، احمد شفایی و بسیاری نام‌ها که بررسی آثارشان می‌تواند موضوع یک بررسی و تحقیق مستقل باشد.

نکته پایانی این‌که لئونیدسالوویف خالق «شاهزاده جادو شده» اثر خواندنی دیگری دارد که با عنوان «شهرزاد» و در سال‌های دور چاپ شده است. کاش ناشر صاحب همتی یافت شود و چاپ پیراسته‌ای از آن به دست دهد زیرا خدمتی خواهد بود درخور به شیفتگان ادبیات داستانی ایران، که امروزه با انبوه رمان‌ها و مجموعه داستان‌هایی مواجه‌اند که به گونه‌ای آشکار تقلیدی و غیر اصیل و در مواردی کپی و رونویسی از آثار نویسندگان آمریکای لاتین هستند...

<http://www.gognoos.ir/ShowReviews.aspx?ReviewID=1008#sthash.oIK5pQo7.dpuf>